

پژوهشهای حقوقی

شماره ۶

هزار و سیصد و هشتاد و سه - نیمسال دوم

مقالات

- بلژیک و پایان ده سال رؤیای صلاحیت جهانی در جرائم بین المللی
- کنترل قضائی قانون عادی در تطبیق با قانون اساسی (حقوق تطبیقی و ایران)
- شورای امنیت و ارجاع وضعیت «دارفور» (سودان) به دیوان کیفری بین المللی
- نگرشی حقوقی به موافقتنامه پاریس درباره برنامه هسته‌ای ایران
- اجرای ملی موازین حقوق بین الملل و نقش دادگاه ایرانی

موضوع ویژه: مبارزه حقوق کیفری با جرائم اقتصادی

- نگرشی تطبیقی بر نحوه انعکاس جرم رشوه در سیستم‌های حقوقی فرانسه، ایتالیا، سوئیس و چین
- ضرورت تسری مجازات مرتشی به بخشهای غیردولتی در حقوق کیفری ایران
- بررسی تطبیقی جنبه‌های حقوقی معاملات در بازار بورس اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات محرمانه
- کلاهبرداری رایانه‌ای

گزارش و نقد

- مروری بر پیش نویس اصلاح قانون تجارت پیشنهادی وزارت بازرگانی
- جهانی امن‌تر: مسؤلیت مشترک ما (گزارش هیأت عالی رتبه دبیرکل در خصوص تهدیدات، چالش‌ها و تغییرها (دسامبر ۲۰۰۴))





http://jlr.sdil.ac.ir/article_44565.html

بلژیک و پایان ده سال رؤیای صلاحیت جهانی در جرائم بین‌المللی

دکتر علی خالقی *

چکیده: به منظور به کیفر رساندن مرتکبان مهمترین جرائم بین‌المللی که ارتکاب آنها در هر نقطه از جهان احساسات انسان‌ها را جریحه‌دار می‌سازد، کشور بلژیک در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۹ و اقدام به تصویب قوانینی نمود که آن کشور را در صف مقدم مبارزه دادگاه‌های داخلی با این جرائم قرار داد. بررسی مختصر این قوانین و فراز و نشیب‌های فراروی آن در مرحله عمل و به ویژه به دنبال رأی سال ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی دادگستری علیه این کشور، و در نهایت سرنوشت قوانین مزبور در سال ۲۰۰۳ موضوع مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد تا نشان داده شود که چگونه ده سال رؤیای شیرین بلژیک در اعمال صلاحیت جهانی نسبت به این جرائم به یأس مبدل شد و کارنامه موفق از اجرای این قوانین بر جای نماند. **واژگان کلیدی:** بلژیک، صلاحیت جهانی، جرائم بین‌المللی، جرائم جنگی، جرائم علیه بشریت، نسل‌کشی، حقوق جزای بین‌الملل.

مقدمه

برخی جرائم به دلیل ماهیت و یا وسعت انتشار آثار و نتایج خود، نه تنها به نظم عمومی محل وقوع جرم بلکه به نظم عمومی حاکم در قلمروی وسیع‌تر از آن لطمه می‌زنند، به گونه‌ای که به تعبیر برخی از حقوقدانان در این موارد «منافع اساسی بشریت»^۱ مورد صدمه قرار می‌گیرد. به منظور جلوگیری از بی‌کیفر ماندن مرتکبان

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، وکیل پایه یک دادگستری

¹ Brigitte STERN, "La compétence universelle en France: le cas des crimes commis

این‌گونه جرائم، در میان مهمترین اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل^۲، اصلی به نام اصل صلاحیت جهانی مورد شناسایی قرار گرفته است که به دلیل پیش‌بینی کمترین ارتباط میان جرم و دولت مدعی صلاحیت، اعمال آن نسبت به سایر اصول شناخته شده در این زمینه از محدودیت‌های کمتری برخوردار است. علت این امر این است که در این صلاحیت به معیارهای معمول از قبیل محل وقوع جرم، تابعیت مرتکب یا مجنی‌علیه و یا حتی منافع اساسی دولتی خاص توجه نشده و نسبت به جرمی هم اعمال می‌گردد که در خارج از کشور توسط اتباع بیگانه علیه بیگانگان و بدون هیچ صدمه‌ای به منافع دولت مدعی صلاحیت ارتکاب یافته باشد. اصولاً قلمرو صلاحیت جهانی دادگاه‌های ملی، که از دیرباز در حقوق بین‌الملل در مورد دزدی دریایی پذیرفته شده، در نیمه دوم قرن بیستم توسعه قابل ملاحظه‌ای یافته است و با نفوذ به قلمرو حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی به سوی جهانی کردن حمایت کیفری از مصادیق این حقوق گام برمی‌دارد. در این راستا، کنوانسیون‌های بین‌المللی و قانونگذاری‌های ملی کشورهای مختلف، صلاحیت جهانی دادگاه‌های داخلی را نسبت به برخی جرائم پیش‌بینی کرده‌اند. اما در این میان، قوانینی که در دهه آخر قرن بیستم در بلژیک در مورد صلاحیت جهانی دادگاه‌های این کشور برای رسیدگی به جرائم جنگی، جرائم علیه بشریت و نسل‌کشی به تصویب رسید ویژگی‌های کم نظیری دارد که قانونگذاری داخلی این کشور در مبارزه با مهمترین جرائم بین‌المللی را در موقعیت ممتازی قرار داده است. این ویژگی‌ها، بلژیک را سریعاً در کانون توجه جهانی و مورد تمجید و حمایت سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر قرار داد و رسانه‌های خبری سراسر دنیا به انعکاس وسیع مقررات این قوانین و جریان تعقیب قضائی پرونده‌های مربوط به آن پرداختند. از آنجا که در کشور ما تحقیقات اندک، اما مفیدی که درباره این موضوع صورت گرفته^۳، قبل از آخرین تحولات پدیدآمده در این قوانین به زیور طبع آراسته

← en ex-Yougoslavie et au Rwanda", in *German Yearbook of International Law*, 1997, Vol. 40, p. 281.

^۲ برای یادآوری نک: دکتر علی خالقی، «مقدمه‌ای بر مطالعه اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۱۳۸۱، ش ۲، ص ۳۵.

^۳ نک: دکتر امیرحسین رنجریان، «قانون ۱۹۹۹-۱۹۹۳ بلژیک، رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی

شده‌اند و در نتیجه منعکس کننده سرنوشت نهایی قوانین مزبور نیستند، مقاله حاضر به اختصار به بررسی ویژگی‌های قوانین مورد بحث و تغییراتی که در جریان ده سال اجرای آن رخ داده پرداخته است تا در طی آن روند ظهور (گفتار اول) و افول آن (گفتار دوم) بهتر شناخته شود.

گفتار اول: از تثبیت تا توسعه صلاحیت جهانی

قانون جزای بلژیک مصوب ۸ ژوئن ۱۸۶۷ سرزمینی بودن قوانین کیفری این کشور را به عنوان اصل مورد شناسایی قرار داده و اجرای قوانین بلژیک نسبت به جرائم ارتكابی در خارج از کشور را امری استثنایی تلقی نموده است.^۴ این موارد استثنایی در فصل مقدماتی قانون آئین دادرسی کیفری بلژیک که در تاریخ ۱۷ آوریل ۱۸۷۸ به این قانون اضافه و به تدریج اصلاح شده، ذکر گردیده‌اند و به موجب آن صلاحیت فراسرزمینی دادگاه‌های این کشور برای رسیدگی به جرائم ارتكابی توسط یا علیه یکی از اتباع بلژیک (صلاحیت شخصی) یا جرائم علیه امنیت کشور (صلاحیت واقعی) مورد شناسایی قرار گرفته است. در متن اولیه این قانون، صلاحیت جهانی دادگاه‌های بلژیک پیش‌بینی نشده بود تا اینکه در سال ۱۹۸۶ قانونگذار بلژیکی با افزودن ماده ۱۲ مکرر به فصل مذکور، چنین صلاحیتی را به طور محدود و ناظر بر مواردی خاص یعنی جرائم مربوط به حفاظت از مواد هسته‌ای موضوع کنوانسیون ۱۹۸۰ وین پذیرفت. سایر جرائم مشمول صلاحیت جهانی دادگاه‌های بلژیک در کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد تصویب این کشور پیش‌بینی شده بودند ولی قوانین خاصی برای تعیین نحوه اعمال این صلاحیت و چگونگی مجازات مرتکبان جرائم مورد نظر به تصویب نرسیده بود. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل‌های الحاقی آنها (۱۹۷۷) در مورد حمایت از قربانیان جنگ از جمله این اسناد بین‌المللی بودند که با تصویب پارلمان بلژیک این کشور قبلاً به آنها ملحق شده

← دادگستری، صلاحیت کیفری جهانی در بوته آزمون»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۱، ش ۵۸، ص ۱۲۷.

⁴ Christiane HENNAU et Jacques VERHAEGEN, *Droit pénal général*, 2^e d., Bruxelles, Bruylant, 1995, p. 77.

بود. بنابراین به منظور انعکاس موارد نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی به شرح پیش‌بینی شده در این اسناد در حقوق داخلی و تعیین مجازات آنها در قوانین و همچنین فراهم نمودن زمینه اعمال صلاحیت جهانی دادگاه‌های ملی نسبت به این جرائم، قانونگذار این کشور اقدام به تصویب قانونی خاص در سال ۱۹۹۳ نمود (بند اول) که به دنبال اصلاحات به عمل آمده در سال ۱۹۹۹ در این قانون، قلمرو آن توسعه یافت (بند دوم) به گونه‌ای که پرونده‌های زیادی در اجرای آن در دادگستری بلژیک تشکیل شدند (بند سوم).

بند اول: قانون مصوب ۱۹۹۳

منشأ تلاش‌های صورت گرفته در بلژیک برای تدوین مقررات داخلی لازم در زمینه حقوق بشردوستانه بین‌المللی را می‌توان دهه پنجاه میلادی دانست که با فرمان مورخ ۳۱ اکتبر ۱۹۵۲ کمیسیونی در این کشور برای بررسی مسائل کیفری مطرح در روابط بین‌المللی تشکیل گردید. یکی از اقدامات این کمیسیون تهیه متن نمونه‌ای حاوی اصول راهبردی و مجازات‌های کیفری جهت پیشنهاد به دول عضو کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو بود، اما در جلسه گروه کارشناسانی که تحت نظر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ۱۹۵۶ در ژنو تشکیل شد این متن مورد توافق قرار نگرفت. دومین متنی که کمیسیون مذکور در سال ۱۹۶۳ در این زمینه تهیه و به پارلمان تسلیم نمود نیز مسکوت ماند و به تصویب نهایی نرسید تا اینکه پس از تصویب پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ توسط بلژیک مندرجات متن مزبور با مقررات این پروتکل هماهنگ شده و پس از بررسی و اصلاحات بعدی در تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۹۱ جهت تصویب به مجلس سنای بلژیک تسلیم شد.^۵

سرانجام، پیش‌نویس مزبور به صورت قانون ۱۶ ژوئن ۱۹۹۳ در مورد مجازات نقض شدید کنوانسیون‌های بین‌المللی ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی ۱ و ۲ مورخ ۸ ژوئن ۱۹۷۷ از تصویب نهایی قوه قانونگذاری بلژیک گذشت. در این

⁵ A. ANDRIES, E. DAVID, C. VAN DEN WIJNGAERT et J. VERHAEGEN, "Commentaire de la loi du 16 juin 1993 relative à la répression des infractions graves au droit international humanitaire", *Revue de droit pénal et de criminologie*, 1994, p. 1119-20.

قانون با توجه به فقدان عناوین مجرمانه خاصی به نام نقض کنوانسیون‌های مذکور و پروتکل‌های آنها در حقوق داخلی، اعمالی که با نقض مقررات این اسناد بین‌المللی علیه اشخاص یا اموال مورد حمایت اسناد مذکور ارتکاب یابد جنایت جنگی و به عنوان یک جنایت بین‌المللی شناخته شده و مجازات‌های آنها تعیین گردیده است. در این قانون همچنین به منظور فراهم ساختن امکان محاکمه مرتکبان این جرائم در بلژیک قطع نظر از محل وقوع آنها، صلاحیت جهانی دادگاه‌های این کشور نسبت به جرائم مزبور مورد شناسایی قرار گرفته است، به گونه‌ای که مرتکب با هر تابعیتی که باشد، در هر جا و علیه هر کس مرتکب این جرائم شود دادگاه‌های بلژیک قادر به محاکمه وی باشند. انصراف از معیارهای مربوط به محل ارتکاب، شخصیت مرتکب و مجنی‌علیه یا تعلق منافع لطمه دیده از جرم به دولتی خاص از ویژگی‌های معمول صلاحیت جهانی محاکم ملی است ولی قانون بلژیک از این فراتر رفته، حتی حضور متهم در این کشور را نیز برای به جریان افتادن تعقیب کیفری علیه او لازم ندانسته است.

اما یکی از ویژگی‌های ممتاز این قانون، توسعه عنوان جرائم جنگی به اعمال ارتكابی در خلال مخاصمات مسلحانه داخلی است زیرا تا قبل از قانون مذکور و با توجه به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های آن، نقض مقررات این اسناد تنها در صورت ارتکاب در جریان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی به عنوان جنایت جنگی شناخته می‌شد. اما با توجه به ابعاد گسترده جنایاتی که در برخی از کشورها (مانند رواندا) در جریان درگیری‌های داخلی روی داده و می‌دهد پارلمان بلژیک با تغییراتی که در متن لایحه پیشنهادی دولت داد، قلمرو اجرای قانون ۱۹۹۳ را محدود به مخاصمات بین‌المللی نکرده، اجرای آن را به اعمال ارتكابی در خلال درگیری‌های داخلی نیز تسری داد، امری که با توجه به شناسایی صلاحیت جهانی دادگاه‌های بلژیک نسبت به این جرائم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با این حال، این قانون شامل سایر جرائم مهم بین‌المللی نبوده و به اعمالی نظیر نسل‌کشی یا جرائم علیه بشریت تسری نمی‌یافت، امری که قانونگذار بلژیکی را به اندیشه اصلاح قانون و توسعه قلمرو اجرای آن برانگیخت.

بند دوم: قانون مصوب ۱۹۹۹

به منظور توسعه صلاحیت جهانی دادگاه‌های بلژیک و فراهم نمودن امکان رسیدگی آنها به جرائم نسل‌کشی و جرائم علیه بشریت، قانون اصلاحی ۱۰ فوریه ۱۹۹۹ به تصویب پارلمان رسید که ضمن تغییر عنوان قانون قبلی به «قانون مربوط به مجازات موارد نقض شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی»، اعمال معینی را به عنوان دو جرم مستقل جنایت علیه بشریت و جنایت نسل‌کشی تعیین کرد و با پیش‌بینی مجازات آنها این دو جرم را در کنار جنایات جنگی، در زمره جنایات بین‌المللی معرفی نمود. همچون قانون ۱۶ ژوئن ۱۹۹۳، قانون ۱۰ فوریه ۱۹۹۹ نیز به طور دقیق و روشن به تعیین یکایک اعمالی پرداخت که از نظر آن قانون جنایت علیه بشریت یا نسل‌کشی نامیده می‌شدند و در این راستا از حقوق بین‌الملل عرفی و اساسنامه تازه تصویب دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸) الهام گرفت.^۶

این قانون دو ویژگی قابل توجه داشت که آن را بسیار برجسته می‌نمود. نخست آنکه با توجه به اعلام صلاحیت جهانی دادگاه‌های بلژیک نسبت به جرائم مندرج در قانون مذکور، رسیدگی به جرائم علیه بشریت و نسل‌کشی که در خارج از این کشور ارتکاب یافته بود نیز در صلاحیت دادگاه‌های آن قرار گرفتند و این در حالی است که کنوانسیون‌های بین‌المللی موجود که دولت بلژیک به برخی از آنها نیز ملحق گردیده چنین صلاحیتی را مقرر نداشته‌اند.^۷ دیگر آنکه قانون اصلاحی سال ۱۹۹۹ با افزودن این عبارت که «مصونیت ناشی از موقعیت رسمی یک شخص مانع اجرای قانون حاضر نیست» به روشنی مصونیت قضائی اشخاصی را که در حقوق بین‌الملل به دلیل سمت خود از تعقیب کیفری معاف هستند مانند رؤسای حکومت یا نمایندگان سیاسی کشورها در کشور دیگر، نادیده گرفت.

^۶ Voir: P. D'ARGENT, "La loi du 10 février 1999 relative à la répression des violations graves du droit international humanitaire", *Journal des tribunaux*, 1999, p. 550.

^۷ توضیح اینکه کنوانسیون ۱۹۴۸ ژنو در مورد پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی، به عنوان یک سند الزام‌آور، در ماده ۶ خود تنها بر صلاحیت دولت محل وقوع جرم تأکید می‌ورزد که صلاحیت سرزمینی است. در مورد جنایت علیه بشریت نیز کنوانسیون‌های بین‌المللی نسبت به صلاحیت جهانی دول ساکنند و قطعنامه سوم دسامبر ۱۹۷۳ مجمع عمومی ملل متحد نیز که بر لزوم تعقیب و محاکمه مرتکبان جنایات علیه بشریت، قطع نظر از زمان و مکان ارتکاب تأکید می‌ورزد، یک کنوانسیون بین‌المللی محسوب نمی‌شود و ارزش و اعتبار آن را ندارد.

بند سوم: قانون جدید و دلایل توسعه دامنه اجرای آن

با توجه به ارتباط دیرینه‌ای که از نظر تاریخی میان بلژیک و رواندا وجود داشته است، پس از وقوع جنایات دهشت‌بار سال ۱۹۹۴ در رواندا که منجر به تأسیس دادگاه بین‌المللی ویژه‌ای از سوی شورای امنیت گردید،^۸ شمار زیادی از اتباع این کشور به بلژیک مهاجرت کردند. همین امر سبب طرح شکایاتی از سوی این افراد در دادگاه‌های بلژیک و به اجراء در آمدن قانون جدید در این کشور شد به طوری که تحقیقات مقدماتی نخستین پرونده‌های مربوط به جرائم موضوع قانون سال ۱۹۹۳ در تاریخ دوم مارس ۱۹۹۵ در بروکسل آغاز گردید.^۹

اما دیری نپائید که شکایت‌های زیادی بر اساس دو قانون یاد شده در دادسرای بروکسل مطرح و پرونده‌های بسیاری برای رسیدگی به آنها تشکیل شد. مهمترین دلایل کثرت پرونده‌های مربوط به جرائم موضوع قوانین فوق را می‌توان در چند نکته خلاصه نمود:

۱- امکان طرح مستقیم شکایت توسط شاکی خصوصی نزد بازپرس: معمولاً در برخی از کشورها با تفکیک دو مرحله تعقیب و محاکمه و قرار گرفتن مرحله نخست در اختیار مقام مستقلى به نام دادستان، شاکی خصوصی از مراجعه مستقیم به بازپرس منع شده و هر نوع شکایت باید به دادستان تسلیم گردد و تعقیب کیفری با ارجاع تحقیقات مقدماتی توسط دادستان به بازپرس به جریان افتد. این امر در مورد جرائم ارتكابی در خارج از کشور نیز معمولاً پیش‌بینی می‌شود تا دادستان با استفاده از اختیارات خود برای تشخیص موقعیت داشتن یا مناسب بودن تعقیب، چنانچه با توجه به اهمیت جرم یا شخصیت متهم و دشواری و هزینه رسیدگی به جرمی که در خارج از کشور واقع شده، عواقب منفی رسیدگی به آن را بیش از فواید آن بدانند از به جریان انداختن تعقیب کیفری علیه متهم خودداری نماید. اما بر اساس قوانین مصوب ۱۹۹۳ و ۱۹۹۹ در بلژیک، قربانیان جرائم مندرج در آن دو قانون این امکان را یافتند که بدون مراجعه به دادستان با طرح مستقیم شکایت خود نزد بازپرس، تحقیقات مقدماتی علیه متهم ادعایی را در دادسرا به جریان اندازند. از این رو، به

^۸ قطعه‌نامه شماره ۹۵۵ مورخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴.

^۹ Damien VANDERMEERSCH, "La r! pression en droit belge des crimes de droit international", *Revue internationale de droit p!nal*, 1997, p. 1121.

دلیل حضور پناهندگان زیادی از کشورهای افریقایی بویژه رواندا در بلژیک و عدم دخالت دادستان در جلوگیری از طرح و بررسی شکایت‌های بی‌پایه و اساس، این اختیار پیش‌بینی شده برای قربانیان موجب سرازیر شدن شکایت‌های متعدد از سوی آنان و انجام تحقیقات قضائی در بلژیک شد.

۲- عدم لزوم حضور مرتکب در بلژیک: به طور سنتی اعمال اصل صلاحیت جهانی مستلزم حضور مرتکب جرم در کشور دولت مدعی صلاحیت است و اساساً قاعده معروف «یا استرداد یا محاکمه»^{۱۰} که معمولاً به عنوان دو گزینه فراروی دولت واجد صلاحیت جهانی مطرح می‌شود مبتنی بر همین فرض است و این دولت را موظف می‌سازد که در صورت عدم اقدام به محاکمه متهم وی را به دولت دیگری که متقاضی استرداد و محاکمه اوست مسترد نماید و داشتن این حق انتخاب فرع بر این است که دولت مزبور متهم را در اختیار داشته باشد.

در مورد مشروعیت صلاحیت جهانی مطلق، یعنی صلاحیتی که مشروط به حضور مرتکب جرم در قلمرو دولت مدعی صلاحیت هم نیست و نسبت به کسی که نه از اتباع دولت است و نه علیه یکی از اتباع دولت مرتکب جرم شده و در کشور مدعی صلاحیت جهانی هم حضور ندارد، میان حقوق‌دانان اختلاف نظر به چشم می‌خورد. برخی معتقدند که حقوق بین‌الملل عرفی اعمال صلاحیت جهانی در غیاب متهم را تنها برای راهزنی دریایی تجویز کرده است و در مقابل، برخی دیگر بر این اعتقادند که در حقوق بین‌الملل عرفی علاوه بر تجویز صلاحیت جهانی مطلق نسبت به راهزنی، اعمال آن تحت شرایطی نسبت به سایر جرائم هم ممکن است.^{۱۱} در ایران نیز این اختلاف نظر ملاحظه می‌گردد: برخی از صاحب‌نظران هنگام اظهار عقیده در مورد اعمال چنین صلاحیتی نسبت به جنایات جنگی، با توجه به هدف صلاحیت جهانی که اجرای عدالت و جلوگیری از گریز جنایتکاران از مجازات است تصریح کرده‌اند که این صلاحیت را باید در مورد متهمانی هم اعمال نمود که در خاک

^{۱۰} aut dedere aut judicare

^{۱۱} برای دیدن این نظرات نک: آنتونیو کاسسه، «تعقیب کیفری کارگزاران عالیرتبه دولت‌ها در دادگاه‌های داخلی به اتهام ارتکاب جرائم بین‌المللی (دعوای کنگو علیه بلژیک در دیوان بین‌المللی دادگستری)»، ترجمه حمیدرضا جاوید زاده، *مجله پژوهشهای حقوقی*، ۱۳۸۳، ش ۵، صص ۱۸۳ به بعد.

دولت متبوع دادگاه نیستند یا از محل آنها اطلاعی در دست نیست.^{۱۲} اما برخی از نویسندگان وجود ارتباطی هر چند اندک میان جرم و دولت مدعی صلاحیت را لازم دانسته و بر لزوم حضور مرتکب در قلمرو این دولت تأکید ورزیده‌اند. از نظر این عده، هدف از اعطای صلاحیت جهانی به یک دولت جلوگیری از بی‌کیفر ماندن مجرمی است که برای فرار از مجازات به آنجا پناهنده شده است نه تبدیل آن دولت به دادسرای بین‌المللی جرائم.^{۱۳} در واقع، طرفداران نظر اول با حذف شرایط اضافی برای اعمال این صلاحیت، در صدد منتفی ساختن تعارض منفی صلاحیت‌ها هستند تا مرتکب جرم حتماً محاکمه شده و بی‌کیفر نماند اما پیروان نظر دوم، با مقید ساختن اعمال صلاحیت مزبور به حضور مرتکب جرم در کشور محل رسیدگی، سعی در کاستن از احتمال بروز تعارض مثبت صلاحیت‌ها و در نتیجه جلوگیری از امکان محاکمه متهم در چند کشور برای ارتکاب جرم واحد دارند.^{۱۴}

باری، قوانین مصوب ۱۹۹۳ و ۱۹۹۹ بلژیک با انتخاب نظر اول، حضور متهم در این کشور را برای اعمال صلاحیت جهانی دادگاه‌های خود لازم ندانسته و شروع رسیدگی آنها را منوط به یافت شدن مرتکب در قلمرو خاک بلژیک نکرده بودند. همین امر سبب شد تا قربانیان جرائم ادعایی که از دیگر کشورها به بلژیک پناهنده شده و یا صرفاً به این کشور سفر کرده بودند با طرح شکایات خود دادگستری آن را به پیگیری این شکایات وادارند، بدون اینکه ملزم باشند که حضور مرتکب در بلژیک را ثابت نمایند.

۳- محدود نبودن جرائم جنگی به جرائم ارتكابی در حین مخاصمات مسلحانه بین‌المللی: کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو (به جز ماده ۳ آنها) و پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ که مهمترین اسناد تبیین‌کننده اعمال ناقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی یا جرائم جنگی هستند اصولاً ناظر به اعمال ارتكابی در خلال درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی بوده و صلاحیت جهانی پیش‌بینی شده در

^{۱۲} دکتر امیرحسین رنجبریان، پیشین، ص ۱۴۰.

^{۱۳} دکتر علی خالقی، «محاکمه صدام و مسأله صلاحیت دادگاه از منظر حقوق داخلی و بین‌المللی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۲، ش ۴، صص ۲۹-۳۰.

^{۱۴} برای مطالعه درباره شرایط ممنوعیت محاکمه، نک: دکتر علی خالقی، «محتوا و جایگاه قاعده منع محاکمه مجدد در حقوق جزای بین‌الملل و ایران»، در علوم جنائی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، سمت، ۱۳۸۳، ص ۴۱۳ به بعد.

این کنوانسیون‌ها نیز ناظر بر همین فرض است. نوآوری قوانین بلژیک، توسعه مفهوم جرائم جنگی به اعمال ارتکاب یافته در جریان درگیری‌های مسلحانه‌ای است که ویژگی بین‌المللی ندارند. با توجه به اینکه در نیم قرن اخیر، درگیری‌های داخلی زیادی در گوشه و کنار جهان به وقوع پیوسته که طی آنها جنایات فراوانی ارتکاب یافته است می‌توان به گستردگی قلمرو اجرای این قوانین از نظر جرائم مشمول آنها پی برد، ضمن آنکه اعلام صلاحیت جهانی دادگاه‌های بلژیک نسبت به این‌گونه جرائم ارتكابی در خلال درگیری‌های داخلی یک کشور اهمیت اقدام قانونگذار بلژیکی را نمایان‌تر می‌سازد. از این روست که حقوقدانان این کشور به درستی معتقدند که بلژیک در این زمینه از تعهدات بین‌المللی خود که به موجب کنوانسیون‌های ژنو پذیرفته، فراتر رفته است.^{۱۵}

۴- **عدم شناسایی مصونیت برای مقامات سیاسی:** در حقوق بین‌الملل، مقامات عالی رتبه سیاسی یک دولت در برابر دادگاه‌های دولتی دیگر از مصونیت قضائی برخوردارند و از لحاظ کیفری غیرقابل تعقیب به شمار می‌روند. این مصونیت شامل رئیس حکومت، رئیس دولت و وزیر امور خارجه می‌شود و به موجب عرف بین‌المللی و کنوانسیون‌های وین ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ مأموران دیپلماتیک و کنسولی یک دولت نزد دولتی دیگر را نیز در بر می‌گیرد و نمی‌توان آنها را به دلیل ارتکاب جرم تحت تعقیب کیفری قرار داد.

بلژیک از این نظر نیز دست به اقدامی بدیع زد و در قانون ۱۹۹۹ که در مقام اصلاح و تکمیل قانون ۱۹۹۳ به تصویب رسید، با نفی این مصونیت صریحاً اعلام نمود که مصونیت ناشی از سمت رسمی مرتکب مانعی برای اجرای آن قانون در مورد وی به شمار نمی‌رود و بدین ترتیب این امکان را فراهم ساخت که اتباع خارجی که در کشور خود قربانی جرائم موضوع قانون قرار گرفته‌اند با مراجعه به دادگستری بلژیک علیه افراد مظنون به ارتکاب یا فرمان ارتکاب این جرائم اقدام به طرح شکایت نمایند، حتی اگر این افراد در کشور خود در بالاترین رده‌های قدرت سیاسی کشورشان قرار داشته باشند. بر همین اساس، شکایت‌هایی علیه آریل شارون

¹⁵ Damien VANDERMEERSCH, "Quel avenir pour la compétence universelle des juridictions belges en matière des crimes de droit international humanitaire?", *Revue pénitentiaire et de droit pénal*, 2003, pp. 232-3.

نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس، صدام حسین رئیس‌جمهور وقت عراق، فیدل کاسترو رهبر کوبا، لوران بگبو رئیس‌جمهور ساحل عاج، حسن هابره رئیس‌جمهور سابق چاد، بوش رئیس‌جمهور اسبق و کالین پاول رئیس ستاد ارتش امریکا در جریان جنگ اول عراق در ۱۹۹۱، ژنرال فرانکس فرمانده نظامی امریکایی در جنگ دوم عراق در ۲۰۰۳ و رؤسای جمهور سابق یا حال چند کشور دیگر در دادسرای بروکسل مطرح شد.

دلایل پیش‌گفته سبب توسعه قلمرو اجرای قانون ۱۹۹۳ با اصلاحات ۱۹۹۹ گردید و در این راستا پرونده‌های زیادی در بلژیک تشکیل شد. اما این امر بروز پاره‌ای مشکلات برای دولت بلژیک را به دنبال داشت و موجب شد که این کشور اختیارات دادگاه‌های خود در اعمال صلاحیت جهانی نسبت به جرائم موضوع این قوانین را ابتدا محدود و سپس حذف نماید.

گفتار دوم: از تحدید تا حذف صلاحیت جهانی

با افزایش تعداد پرونده‌هایی که در اجرای قوانین یاد شده در دادگستری بلژیک تشکیل شدند، موانع حقوقی و مشکلات سیاسی چندی بر سر راه اجرای کامل مقررات این قوانین پدید آمد (بند اول) که قانونگذار بلژیکی را بر آن داشت که با تجدیدنظرهای پیاپی در قوانین مورد بحث، صلاحیت جهانی دادگاه‌های بلژیک را محدود (بند دوم) و سرانجام حذف نماید (بند سوم).

بند اول: موانع حقوقی و مشکلات سیاسی

یکی از کسانی که بر اساس قوانین صلاحیت جهانی بلژیک به اتهام جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در این کشور تحت تعقیب قرار گرفت، عبدالایه یروودیا وزیر امور خارجه وقت کنگو بود که پرونده اتهامی او منجر به صدور حکم جلب بین‌المللی نامبرده توسط بازپرس بروکسل شد. در پی صدور این حکم در ۱۱ آوریل ۲۰۰۰ و انتشار آن در سطح بین‌المللی، تنش شدیدی در روابط دو کشور پدید آمد که در ۱۷ اکتبر همان سال منتهی به اقامه دعوی از جانب کنگو علیه بلژیک در دیوان بین‌المللی دادگستری به ادعای نقض مصونیت قضائی وزیر امور خارجه کنگو شد.

دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در تاریخ ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ در رأی معروفی که واکنش‌های متعددی را در محافل حقوقی و در میان حقوقدانان بین‌المللی به دنبال داشت اعلام نمود که بلژیک با صدور حکم جلب وزیر امور خارجه کنگو و انتشار آن در سطح بین‌المللی، الزامات قانونی خود مبنی بر رعایت مصونیت قضائی و تعرض ناپذیری وزیر امور خارجه در حال اشتغال را که بر طبق حقوق بین‌الملل از آن برخوردار است نقض نموده، و بلژیک باید به طریقی که خود انتخاب می‌کند حکم جلب را لغو کرده و به مراجعی که ارسال نموده اطلاع دهد.^{۱۶} با این رأی دیوان، مانع حقوقی بزرگی برای اجرای این قانون نسبت به مقامات عالی رتبه کشورهای خارجی ایجاد شد، چه دیوان در قسمتی از رأی خود به صراحت اعلام نمود که وزرای امور خارجه مصونیت دارند و در حقوق بین‌الملل عرفی استثنایی بر این مصونیت در مورد جرائم جنگی یا جنایات علیه بشریت وارد نیامده است.^{۱۷}

اما اجرای قوانین صلاحیت جهانی بلژیک، این کشور را با مشکلات عملی زیادی نیز روبرو ساخته و سبب ایجاد تنش‌هایی در روابط سیاسی‌اش با برخی کشورها از جمله اسرائیل و امریکا شد. امریکا که به دلایلی از جمله حضور نظامیان خود در مناطق مختلف جهان، از مخالفان تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی است با هر گونه صلاحیت فراملی دادگاه‌های دیگر کشورها برای رسیدگی به جرائم جنگی مخالفت می‌ورزد و نارضایتی خود از صلاحیت جهانی دادگاه‌های بلژیک نسبت به این جرائم را نیز بارها توسط مقامات دولتی خود، از جمله وزیر دادگستری و وزیر دفاع، ابراز داشته است. اما این نارضایتی‌ها به تدریج تبدیل به تهدیدهایی علیه بلژیک جهت اعمال فشار به این کشور برای تغییر در قوانین یاد شده گردید تا بدانجا که وزیر دفاع امریکا در ۱۲ ژوئن ۲۰۰۳ بلژیک را تهدید کرد که در صورت عدم تغییر این قوانین، ضمن تعلیق مشارکت مالی خود در تأمین هزینه‌های احداث مقر جدید سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، با نفوذ خود موجب تغییر مقر این سازمان و

¹⁶ *ICJ Reports*, 2002, paras. 56-8.

¹⁷ مقالات زیادی در نقد این رأی دیوان در کشورهای دیگر توسط صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل به رشته تحریر در آمده است که در اینجا از ذکر مشخصات آنها خودداری و فقط به ذکر دو مقاله به فارسی بسنده می‌شود. در این زمینه نک: دکتر امیرحسین رنجبریان، پیشین، صص ۱۲۷ تا ۱۶۶؛ آنتونیو کاسسه، پیشین، صص ۱۷۹ تا ۲۰۴.

انتقال آن از بلژیک به کشوری دیگر خواهد شد.^{۱۸}

بند دوم: محدودیت‌های اعمال شده توسط قضات و قانونگذار بلژیکی

در مواجهه با مشکلات و پی‌آمدهای دیپلماتیک ناشی از اعمال مطلق و بی‌قید و شرط صلاحیت جهانی توسط دادگاه‌های بلژیک، قضات و قانونگذار این کشور با برقراری محدودیت‌هایی در اعمال صلاحیت فراسرزمینی دادگاه‌های ملی از خود واکنش نشان دادند.

نخستین اقدام از جانب برخی شعب دادگاه‌ها صورت گرفت و آن اعلام لزوم حضور متهم در بلژیک برای تعقیب و محاکمه او بر اساس قوانین ۱۹۹۳ و ۱۹۹۹ بود. توضیح اینکه، بر طبق ماده ۱۲ از فصل مقدماتی قانون آئین دادرسی کیفری بلژیک، اصولاً جز در مورد جرائم مربوط به صلاحیت واقعی دادگاه‌های ملی و جرائم اشخاص مشمول قوانین خاص نیروهای مسلح، اعمال صلاحیت کیفری توسط دادگاه‌های بلژیک نسبت به جرائم ارتكابی در خارج از کشور، منوط به حضور متهم در قلمرو بلژیک است و رسیدگی غیابی در این موارد امکان ندارد. در پاسخ به این سؤال که آیا این اصل فقط ناظر به صلاحیت‌های کیفری پیش‌بینی شده در فصل مقدماتی قانون آئین دادرسی کیفری است یا به صلاحیت‌های فراسرزمینی مقرر در قوانین خاص نیز تسری می‌یابد یا خیر، شعبه اتهامی دادگاه تجدیدنظر بروکسل که صلاحیت رسیدگی به اعتراض‌ها نسبت به قرارهای بازپرس را دارد پاسخ مثبت داد. بدین ترتیب، شعبه مذکور طی رأی مورخ ۱۶ آوریل ۲۰۰۲ در پرونده لوران کایلا و دو رأی به تاریخ ۲۶ ژوئن ۲۰۰۲ در پرونده‌های آریل شارون و لوران بگبو اعلام کرد که حضور متهم در بلژیک شرط لازم اعمال صلاحیت جهانی دادگاه‌های بلژیک است. هر چند که با فرجام‌خواهی وکلای شاکیان این پرونده‌ها، دیوان عالی کشور بلژیک نخست به موجب رأی مورخ ۲۰ نوامبر ۲۰۰۲ با یک ایراد شکلی یکی از آراء فوق را نقض نمود و سپس به موجب رأی مورخ ۱۲ فوریه ۲۰۰۳ صریحاً اعلام کرد که جرائم مندرج در قوانین ۱۹۹۳ و ۱۹۹۹ خارج از شمول فصل مقدماتی قانون آئین دادرسی کیفری بوده و تعقیب متهمان منوط به حضورشان در بلژیک نیست،^{۱۹} اما

¹⁸ <http://www.styvo.ch/article/46.htm>

¹⁹ Cit! par: Damien VANDERMEERSCH, Quel avenir pour..., p. 234.

سه رأی شعبه اتهامی دادگاه تجدیدنظر بروکسل به خوبی تمایل دادگاه‌های این کشور را برای محدود ساختن دامنه اجرای صلاحیت جهانی و کاستن از تنش‌های دیپلماتیک ناشی از آن نشان می‌دهد.

در این شرایط قانونگذار بلژیک نیز به نوبه خود به اصلاحاتی در قوانین مورد بحث دست زده و قانون مهم ۲۳ آوریل ۲۰۰۳ را در این زمینه به تصویب رساند که به موجب آن محدودیت‌های زیر در اعمال صلاحیت جهانی دادگاه‌های بلژیک ایجاد گردید:

۱. با توجه به رأی ۱۴ فوریه دیوان بین‌المللی دادگستری در محکومیت بلژیک، اصلاحیه مزبور اعلام نمود که مصونیت سیاسی ناشی از موقعیت رسمی مرتکب، در حدود مقرر در حقوق بین‌الملل، مانع اجرای این قانون محسوب می‌شود.
۲. در چند مورد به جریان افتادن امر تعقیب منوط به تقاضای دادستان فدرال از بازپرس شده و در این موارد ابتکار عمل از شکات سلب شد. موارد پیش‌بینی شده عبارتند از: وقتی که جرم در خارج از بلژیک واقع شده باشد که اصولاً صلاحیت جهانی ناظر به همین فرض است؛ وقتی که متهم از اتباع خارجی باشد؛ وقتی که متهم در بلژیک حضور نداشته باشد؛ وقتی که مجنی‌علیه بلژیکی نباشد یا تبعه بیگانه‌ای باشد که از سه سال قبل از تقدیم شکایت خود در بلژیک اقامت نداشته است. دادستان فدرال نیز در چهار مورد از به جریان انداختن تعقیب کیفری منع شده است: وقتی که شکایت تقدیمی آشکارا بی‌پایه و اساس باشد؛ وقتی که اعمال انتسابی به متهمان منطبق با جرائم پیش‌بینی شده در قانون مورد بحث نباشد؛ وقتی که دعوی عمومی به جهتی از جهات قابل تعقیب نباشد؛ وقتی که از اوضاع و احوال قضیه چنین استنباط شود که برای اجرای بهتر عدالت و رعایت تعهدات بین‌المللی بلژیک، رسیدگی به شکایت باید به مراجع کیفری بین‌المللی یا مراجع قضائی محل ارتکاب جرم یا مراجع قضائی دولت متبوع مرتکب یا دولتی که ممکن است مرتکب در آنجا یافت شود ارجاع گردد، مشروط بر اینکه مرجع مزبور صالح به رسیدگی، مستقل، بی‌طرف و قادر به انجام یک محاکمه منصفانه باشد.

← لازم به ذکر است که با وجود اعلام عدم لزوم حضور متهم در بلژیک، دیوان کشور در رأی مذکور نهایتاً با توجه به رأی ۴ فوریه ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی کنگو علیه بلژیک مصونیت قضائی متهمان پرونده‌های فوق را به دلیل سمت رسمی‌شان مورد شناسایی قرار داد.

۳. به وزیر دادگستری اجازه داده شد که با تصویب هیأت دولت، و در اجرای ماده ۱۴ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، اتهامات تحت رسیدگی در مراجع قضائی بلژیک را به اطلاع آن دیوان برساند و پس از آنکه دادستان دیوان به موجب بند اول ماده ۱۸ اساسنامه موضوع را به اطلاع دولت‌های عضو و دولت‌هایی که معمولاً نسبت به این اتهامات اعمال صلاحیت می‌کنند، رساند، دیوان عالی کشور بلژیک به تقاضای دادستان منع ادامه رسیدگی مراجع قضائی بلژیک نسبت به آن اتهامات را اعلام نماید. اگر چه در اصلاحیه مورد بحث، جرائم ارتكابی در بلژیک یا توسط یا علیه اتباع بلژیک، از این روند مستثنی شده‌اند ولی در مورد سایر جرائم هم مشکل بتوان آن را بر اساس ماده ۱۴ اساسنامه دیوان توجیه نمود و به نظر می‌رسد که این ماده ناظر بر اعلام وقوع جرائم موضوع صلاحیت دیوان به این مرجع است و با توجه به تکمیلی بودن صلاحیت دیوان هدف این نبوده که دادگاه‌های ملی پس از اشتغال به پرونده‌ای از رسیدگی به امری که در صلاحیت‌شان باشد به نفع دیوان انصراف دهند.

۴. جز در مواردی که موضوع به شرح فوق باید به اطلاع دیوان کیفری بین‌المللی برسد، هرگاه جرم در خارج از بلژیک واقع شده یا مجنی‌علیه بلژیکی نباشد و متهم از اتباع دولتی باشد که قوانین آن موارد نقض شدید حقوق بشردوستانه به شرح مقرر در قانون بلژیک را جرم شناخته و حق طرفین را به برگزاری یک دادرسی منصفانه تضمین کند، وزیر دادگستری می‌تواند با تصویب هیأت دولت اتهامات مورد نظر را به اطلاع دولت متبوع متهم برساند. پس از اطلاع به این دولت، دیوان عالی کشور بلژیک به تقاضای دادستان، منع رسیدگی مراجع قضائی بلژیک از رسیدگی به این اتهامات را اعلام خواهد نمود.

بند سوم: انصراف از اعمال صلاحیت جهانی

کمتر از چهار ماه پس از تصویب اصلاحیه ۲۳ آوریل ۲۰۰۳، قانونگذار بلژیکی با تجدیدنظر در قوانین سابق، قانون پنجم اوت ۲۰۰۳ را تصویب نمود و آخرین تغییرات را در مقررات مربوط به اعمال صلاحیت جهانی دادگاه‌های بلژیک به عمل آورد. مهمترین نکاتی که در این قانون به چشم می‌خورند عبارتند از:

۱. قانون جدید صریحاً رؤسای حکومت‌ها، رؤسای دولت‌ها، وزیران امور

خارج و سایر اشخاصی را که بر طبق حقوق بین‌الملل یا به موجب کنوانسیون‌هایی که بلژیک عضو آن است از مصونیت برخوردارند، از تعقیب کیفری معاف شناخته و تأکید نموده است که علیه اشخاصی هم که به طور رسمی از طرف مقامات بلژیکی یا یک سازمان بین‌المللی مستقر در بلژیک به این کشور دعوت شده‌اند، در مدت اقامتشان در بلژیک هیچ اقدام قهرآمیز ناشی از تعقیب کیفری صورت نخواهد گرفت.^۲ قانونگذار با گشودن عنوان جدیدی به نام «عنوان اول مکرر - موارد نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه» در کتاب دوم از قانون جزا، جرائم جنگی، جرائم علیه بشریت و نسل‌کشی را که تا آن تاریخ در قانون ۱۹۹۳ با اصلاحات ۱۹۹۹ پیش‌بینی شده بودند به قانون جزا منتقل کرده و آنها را به همراه مجازات هر یک در مواد ۱۳۶ مکرر تا ۱۳۶-۵ این قانون قرار داد.

^۳ در فصل مقدماتی قانون آئین دادرسی کیفری بلژیک، تابعیت بلژیکی مرتکب در دو مورد سبب تحقق صلاحیت دادگاه‌های این کشور شناخته شده است: یکی در ماده ۶ این فصل ناظر بر جرائمی خاص که موجب صلاحیت واقعی است و دیگری در ماده ۷ فصل مزبور ناظر بر هر جنحه یا جنایت ارتكابی وی در خارج از کشور که مبنای صلاحیت شخصی فعال یا مثبت قرار گرفته است. تحقق صلاحیت بلژیک بر مبنای اخیر مشروط به اصل مجرمیت متقابل یا مضاعف^{۲۰}، یعنی مجرمانه بودن عمل ارتكابی در قوانین کشور محل وقوع است، در حالیکه صلاحیت مقرر در ماده ۶، یعنی صلاحیت واقعی، صلاحیتی مستقل از نظم حقوقی خارجی است و تحقق آن منوط به جرم بودن عمل در محل ارتكاب نشده است. در تغییراتی که به موجب قانون پنجم اوت ۲۰۰۳ به عمل آمد، قانونگذار عامل دیگری غیر از تابعیت یعنی اقامتگاه مرتکب را هم در نظر گرفت و با تصریح به اینکه «هر بلژیکی یا هر شخصی که اقامتگاه اصلی او در قلمرو بلژیک باشد» و مرتکب جرائم مذکور در مواد ۶ و ۷ شود در بلژیک محاکمه می‌شود، به توسعه قلمرو صلاحیت دادگاه‌های این کشور پرداخت. در کنار این اقدام، وی به فهرست جرائم مندرج در ماده ۶، که قطع نظر از جرم بودن یا نبودن عمل در محل وقوع، سبب تحقق صلاحیت دادگاه‌های این کشور می‌شوند، عبارت «نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه به شرح پیش‌بینی

²⁰ R\ciproci! d'incrimination

شده در کتاب دوم، عنوان اول مکرر، از قانون جزا^{۲۱} را اضافه نمود. در مورد آثار و نتایج این تغییرات به دو نکته می‌توان اشاره نمود. نخست آنکه صلاحیت گسترده مقرر در ماده ۷ که شامل هر جنحه یا جنایتی می‌شود می‌تواند در بردارنده موارد «نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه» نیز باشد اما تصریح به این جرائم در ماده ۶، قطع توجه دادگاه‌های بلژیک از بررسی شرط مجرمیت متقابل یا مضاعف را به دنبال خواهد داشت. به دیگر سخن، هدف این بوده است که ارتکاب این اعمال توسط اتباع بلژیک یا اتباع بیگانه مقیم در بلژیک در خارج از کشور نیز ممنوع گردد و تعقیب و محاکمه آنها در دادگاه‌های ملی مشروط به جرم بودن اعمال مزبور در محل ارتکاب نباشد. نکته دوم آنکه استقرار صلاحیت شخصی بر مبنای عامل دیگری غیر از عامل سنتی تابعیت امری است که در حقوق جزای بین‌الملل پذیرفته شده و نمونه‌هایی از قانونگذاری‌های ملی در مورد آن وجود دارد.^{۲۱} بنابراین، صلاحیت مبتنی بر وجود «اقامتگاه» مرتکب خارجی در بلژیک ماهیتاً نوعی صلاحیت شخصی توسعه یافته یا مشتق از صلاحیت شخصی اصلی است و به هیچ وجه دلالتی بر صلاحیت جهانی دادگاه‌های بلژیک ندارد.

۴. تغییر بعدی، انجام اصلاحاتی در ماده ۱۰ فصل مقدماتی قانون آئین دادرسی کیفری بلژیک بود که در نتیجه آن هر خارجی که در خارج از بلژیک مرتکب «نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه به شرح پیش‌بینی شده در عنوان اول مکرر از کتاب دوم قانون جزا» علیه «شخصی که در زمان ارتکاب عمل، تبعه بلژیک است یا علیه شخصی که از حداقل سه سال قبل به طور مؤثر، معمول و قانونی در بلژیک اقامت دارد» شود در بلژیک قابل تعقیب خواهد بود. در این موارد، به جریان افتادن تعقیب کیفری موکول به تقاضای دادستان فدرال از بازپرس شده که بدو به بررسی شکایت پرداخته و در چهار مورد از ارجاع آن به بازپرس خودداری خواهد نمود: وقتی که شکایت تقدیمی آشکارا بی‌پایه و اساس باشد؛ وقتی که اعمال انتسابی به متهمان از جرائم پیش‌بینی شده در عنوان اول مکرر از کتاب دوم قانون جزا نباشد؛ وقتی که دعوی عمومی به جهتی از جهات قابل تعقیب نباشد؛ وقتی که از اوضاع و احوال قضیه چنین استنباط شود که برای اجرای بهتر عدالت و رعایت

^{۲۱} برای ملاحظه نک: دکتر علی خالقی، «صلاحیت فراسرزمینی دادگاه‌های ایران نسبت به جرائم مأموران و مستخدمان دولت»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۲، ش ۳، ص ۲۶.

تعهدات بین‌المللی بلژیک، رسیدگی به شکایت باید به مراجع کیفری بین‌المللی یا مراجع قضائی محل ارتکاب جرم یا مراجع قضائی دولت متبوع مرتکب یا دولتی که ممکن است مرتکب در آنجا یافت شود، ارجاع گردد، مشروط بر اینکه مرجع مزبور از استقلال، انصاف و بی‌طرفی برخوردار باشد.

در مورد این مقررات نیز اشاره به دو نکته مناسب به نظر می‌رسد. نخست آنکه در حقوق بلژیک، صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه به شکلی محدود پذیرفته شده و ارتکاب جرمی در خارج از کشور علیه یکی از اتباع بلژیک در صورتی موجد صلاحیت دادگاه‌های این کشور است که جرم ارتكابی جنایت (نه جنحه و خلاف) بوده و مطابق قوانین دولت محل وقوع نیز حداکثر مجازات آن بیش از پنج سال زندان باشد. بدین ترتیب، نخستین هدف از انجام تغییرات فوق، آزاد ساختن صلاحیت کیفری بلژیک از قیود و شروط فوق در رسیدگی به موارد نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده است.

نکته دوم آنکه با توجه به مطالب گفته شده در بند ۳ فوق صلاحیت پیش‌بینی شده در این قسمت نیز ماهیتاً نوعی صلاحیت شخصی است که با توسعه مفهوم تابعیت، عامل اقامتگاه را نیز به عنوان مبنای صلاحیت مورد توجه قرار داده است.

۵. و سرانجام ماده ۲۷ قانون پنجم اوت ۲۰۰۳ به عمر دهساله قانونی که برای به کیفر رساندن مرتکبان مهمترین جرائم بین‌المللی در جهان تصویب شده و بازتاب وسیعی در سطح جهانی داشت خاتمه داده و صریحاً اعلام نمود: «قانون ۱۶ ژوئن ۱۹۹۳ مربوط به مجازات موارد نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه، با اصلاحات ۱۰ فوریه ۱۹۹۹ و ۱۰ و ۲۳ آوریل ۲۰۰۳ نسخ می‌گردد».

حاصل سخن:

محاکمه و مجازات مرتکبان جرائمی که ماهیت یا وسعت ارتکاب آنها احساسات کل جامعه بشری را جریحه‌دار ساخته و به تعبیری به منافع مشترک بشریت صدمه می‌زنند از دیرباز مورد توجه و علاقه جامعه جهانی بوده است. اقداماتی که در مقاطع مختلف قرن بیستم برای تأسیس یک مرجع کیفری بین‌المللی جهت رسیدگی به مهمترین جرائم بین‌المللی صورت گرفت نیز ناشی از این امر و تشخیص ضرورت مبارزه مؤثر با این اعمال به منظور جلوگیری از بی‌کیفر ماندن مرتکبان آنها بوده

است. اما تا پیش از تحقق آرزوی دیرینه تشکیل یک مرجع کیفری دائمی در سطح بین‌المللی که با لازم‌الاجراء شدن کنوانسیون ۱۹۹۸ رم به وقوع پیوست، حقوق بین‌الملل این وظیفه سنگین و خطیر را با شناسایی صلاحیت جهانی به دادگاه‌های ملی محول کرده بود و صلاحیت مزبور به تدریج توسعه می‌یافت. اما در بلژیک تثبیت و توسعه صلاحیت جهانی نسبت به سه جرم مهم بین‌المللی یعنی جرائم جنگی، جرائم علیه بشریت و نسل‌کشی شکلی منحصر به فرد داشته و حتی فراتر از تعهدات بین‌المللی این کشور بوده است. در واقع، هدف اولیه این بوده است که بلژیک پیشگام مبارزه با این جرائم شده و با توجه به اهمیت و وخامت آنها هیچ کس در هیچ گوشه از جهان و در هر مقامی که باشد از تعقیب و محاکمه در دادگاه‌های بلژیک در امان نماند. اما شاید مقامات بلژیکی پیش‌بینی نمی‌کردند که در جهانی که بشریت از ارتکاب اعمال سبعانه موضوع قوانین مورد بحث در گوشه و کنار جهان رنج می‌برد، برخورداری از صلاحیت جهانی بی‌قید و شرط برای تعقیب این جرائم، این کشور را با سیل شکایات قربانیان آن مواجه سازد، شکایاتی که برخی از آنها ممکن است علیه مقامات عالی رتبه دولت‌های خارجی صرفاً جهت مقاصد سیاسی و برای بهره‌برداری از انعکاس آنها در رسانه‌های جهانی مطرح شوند. در این زمینه، اظهار نظر استاد دانشگاه لوون بلژیک و بازپرس پرونده‌های تشکیل شده در اجرای قوانین مورد بحث جالب توجه به نظر می‌رسد. وی که با حکم جلب بین‌المللی خود در تاریخ ۱۱ آوریل ۲۰۰۰ علیه وزیر امور خارجه کنگو منشأ طرح یکی از پر سر و صداترین دعاوی در دیوان بین‌المللی دادگستری در سال‌های اخیر شد، می‌نویسد: «از آنجا که در متن اولیه قانون [قبل از اصلاحات ۲۰۰۳] هیچ وسیله‌ای برای بررسی سطحی جدیت و مبنای شکایت شاکی پیش‌بینی نشده، این احتمال قوی وجود دارد که شکات با تعقیب اهدافی بی‌ارتباط با هدف محاکمه، اقدام به استفاده ابزاری از دادگستری نمایند. ضمن آنکه، افزایش تعداد شکایاتی که مستقیماً به بازپرس تقدیم می‌شود ممکن است مانع بسط یک سیاست جنائی منسجم و مسؤولانه از جانب دادسرا در قبال این جرائم شود.»^{۲۲}

به علاوه، شاید دولت بلژیک که لایحه قانون ۱۹۹۳ را جهت تصویب به پارلمان

²² Damien VANDERMEERSCH, "Quel avenir pour...", p. 233.

این کشور تقدیم نمود، پیش‌بینی نمی‌کرد که در اجرای آن، شکایات مهمی علیه سران دولتهایی مطرح شود که بلژیک با آنها روابط سیاسی- نظامی نزدیکی دارد و هر اقدام قضائی علیه آنان تأثیری منفی بر این روابط بر جای خواهد گذاشت و یا با محکومیت در دیوان بین‌المللی دادگستری مواجه خواهد شد. بدین ترتیب، کشور کوچکی در اروپا که هر سال میزبان تعداد زیادی از نظامیان عالی‌رتبه دول عضو ناتو است، آمادگی خود را برای تعقیب متهمان به ارتکاب جرائم جنگی در هر نقطه از جهان اعلام نمود، بی‌آنکه پیش‌بینی کند که برخی از مهمانان او ممکن است به مناسبت شرکت در برخی عملیات نظامی، اعمالی را مرتکب شده باشند که مشمول قانون جدید قرار گیرد. راهی که بلژیک با تصویب قوانین منحصر به فرد و بدیع خود آغاز نمود اگرچه با حمایت سازمان‌های مختلف مدافع حقوق بشر در جهان همراه بود اما از سوی دیگر کشورها دنبال نشد و حتی مورد حمایت نیز قرار نگرفت. از این رو، یکه و تنها در برابر سیل شکایات و پی‌آمدهای منفی ناشی از اجرای قانون مذکور، بلژیک دست به اصلاحاتی در قانون خود زد که هدف آنها محدود ساختن اعمال صلاحیت جهانی دادگاه‌های ملی بود و در این راه از الزامات ناشی از رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی دادگستری نیز فراتر رفت. پیش‌بینی لزوم وجود پیوندی میان جرم ارتكابی و بلژیک، مانند تابعیت مرتکب یا مجنی‌علیه یا وجود اقامتگاه یا حضور آنان در این کشور، دادگاه‌های بلژیک را از صلاحیت جهانی مورد نظر اولیه دور ساخت چه برخی از این عناصر اصولاً در این صلاحیت مورد توجه قرار نمی‌گیرند. پیش‌بینی امکان ارسال شکایات به کشوری دیگر و رها شدن دادگستری بلژیک از رسیدگی به آنها نیز اقدام پرمعنای دیگری بود که نشان داد بلژیک در برابر قاعده معروف «یا استرداد یا محاکمه» گزینه اول را ترجیح، و از اقدام به محاکمه متهم در اعمال صلاحیت جهانی انصراف داده است. این امر در قانون پنجم اوت ۲۰۰۳ به روشنی نمایانده شد: صلاحیت جهانی مطلق دادگاه‌های بلژیک به یک صلاحیت شخصی تقلیل یافت که باید بر مبنای تابعیت یا اقامتگاه مرتکب یا مجنی‌علیه استوار گردد و قانون ۱۹۹۳ و اصلاحات بعدی آن که صلاحیت جهانی را پیش‌بینی می‌کردند صریحاً نسخ شدند. بدین ترتیب، رؤیای شیرین محاکمه مرتکبان مهمترین جرائم بین‌المللی در بلژیک بر اساس صلاحیت جهانی تحقق نیافت و جز

محکومیت چهار رواندایی در تاریخ ۸ ژوئن ۲۰۰۱ در دادگاه جنائی بروکسل^{۲۳}، هیچ حکم دیگری در اجرای قوانین مربوط به صلاحیت جهانی در این کشور صادر نشد. اقدام بزرگ و متهورانه بلژیک با موانع مهمی رو به رو گردید و قربانیان جرائم موضوع قانون ۱۹۹۳ و ۱۹۹۹ ناامید از مراجعه به دادگستری این کشور باید چشم امید به دیوان تازه تأسیس کیفری بین‌المللی بدوزند، آن هم فقط برای رسیدگی به جرائم ارتكابی پس از اول ژوئیه ۲۰۰۲. از این رو، با محدودیت‌های دادگاه‌های ملی در رسیدگی به این جرائم، رسالت دیوان در مبارزه با جرائم مزبور سنگین‌تر می‌شود.



^{۲۳} در این قضیه، چهار تبعه رواندا، دو زن و دو مرد، به اتهام مشارکت در نسل‌کشی ۱۹۹۴ در این کشور محاکمه شدند که در پایان شش هفته رسیدگی، دو نفر از آنان به ۱۲ سال، یک نفر به ۱۵ سال و دیگری به ۲۰ سال حبس محکوم شدند. برای مطالعه بیشتر نک:

Patrick MAY, *Quatre Rwandais aux assises belges, la compétence universelle à l'épreuve*, Paris, Harmattan, 2001.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. III, NO. 2

2004-2

Articles

- Belgium and the End of a Ten Years Dream of Universal Jurisdiction over International Crimes
- Intervention of Judges for Controlling of Laws in Comparing to Constitution (Comparative Law & Iran)
- Security Council and Referral of the Situation in Darfur (Sudan) to the International Criminal Court
- Legal Analysing of the Iran-EU Agreement on Nuclear Program
- National Implementation of International Law and the Role of Iranian Courts

Special Issue : Combatting of the Criminal Law against Economic offences

- Comparative Approach to Crime of Bribery in the Legal Systems of France, Italy, Switzerland and China
- Necessity of Extending the Punishment of Bribee to Non-Governmental Sectors in the Iran's Criminal Code
- Fraudulent Bankruptcy
- Considering Legal Aspects of Insider Trading in Security Markets
- Computer Fraud

Report and Critique

- Reflections on Proposed Draft of the Ministry of Commerce for Amendments of Iran's Commercial Code
- A More Secure World: Our Shared Responsibility (The Report of the High-Level UN Panel on Threats, Challenges and Change)

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.
The S.D. Institute of Law
Research & Study